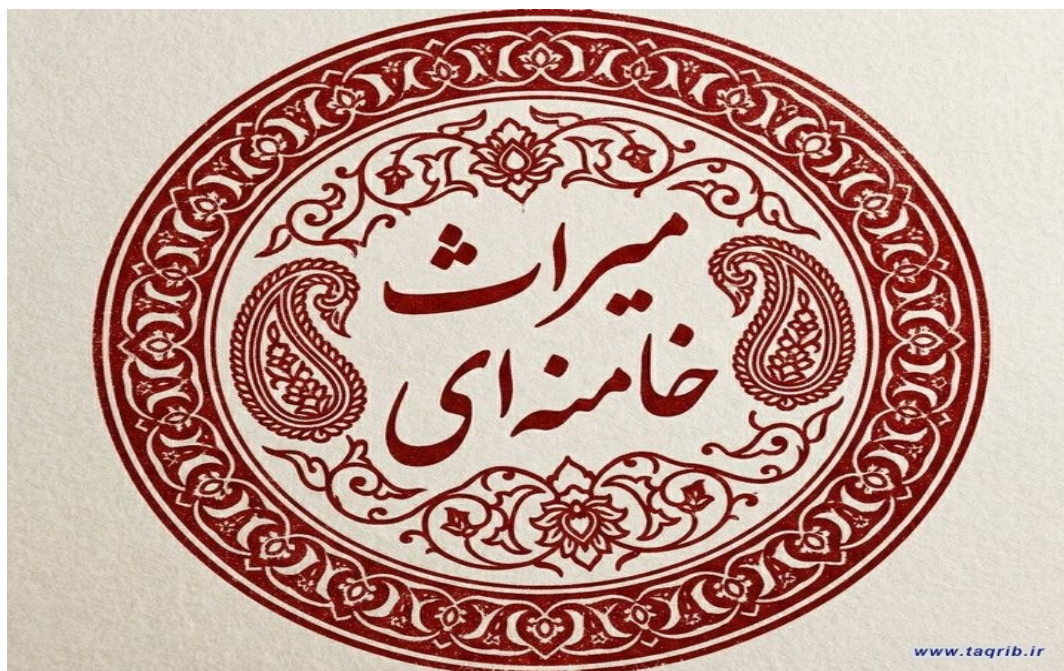


از وحدت بهـمـثابه شعار تا وحدت بهـمـثابه الگوی حکمرانی



چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی، هنگامی که با محوریت اندیشه و سیره رهبر شهید انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، فرصتی برای بازخوانی یک تجربه مهم‌تر از مجموعه‌ای از سخنان درباره وحدت فراهم می‌کند؛ تجربه‌ای که می‌توان آن را تجربه مدیریت تکثر مذهبی در یک نظام سیاسی نامید.

این زاویه از بحث، اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا مسئله وحدت در جامعه واقعی تنها در نشست‌های علمی یا مناسبت‌های مذهبی شکل نمی‌گیرد. وحدت در مدرسه، دانشگاه، مسجد، رسانه، بازار، ساختار اداری، مناسبات اجتماعی و در رفتار مسئولان با شهروندان تجربه می‌شود. بنابراین، اگر بخواهیم اندیشه رهبر شهید را در حوزه وحدت به‌درستی بشناسیم، باید از این پرسش آغاز کنیم که او با یک جامعه متکثر چگونه مواجه می‌شد و چه اصولی را برای تبدیل تفاوت به همزیستی به کار می‌گرفت؟

در این نگاه، وحدت دیگر صرفاً موضوع «تقریب مذاهب» نیست؛ بلکه بخشی از مسئله حکمرانی در جامعه متکثر است.

تکثر، واقعیتی برای مدیریت است نه مشکلی برای حذف

هیچ جامعه‌ای از نظر فکری، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی یکدست نیست. تفاوت، بخشی از واقعیت جامعه انسانی است و سیاستگذاری خردمندانه به جای تلاش برای حذف آن، باید سازوکار همزیستی با آن را طراحی کند.

اهمیت این مسئله در جوامع اسلامی دوچندان است؛ زیرا در بسیاری از کشورهای اسلامی، تفاوت‌های مذهبی با تفاوت‌های قومی، زبانی، منطقه‌ای و سیاسی درهم تنیده‌اند. در چنین شرایطی، هر سیاستی که نتواند میان «تفاوت» و «تعارض» تفکیک قائل شود، ممکن است ناخواسته تفاوت طبیعی را به شکاف اجتماعی تبدیل کند.

از این منظر، یکی از نکات مهم در تجربه رهبر شهید، توجه به همین تمایز است. در محتوای ارائه‌شده درباره سیره ایشان، بر تعامل با طیف‌های مختلف، مدارا، توجه به وضعیت اهل‌سنت و صیانت از حرمت علمای آنان تأکید شده است.

این رویکرد را می‌توان چنین فهم کرد: وجود تفاوت مذهبی لزوماً تهدید نیست؛ آنچه تهدیدآفرین است، تبدیل تفاوت به احساس طردشدگی، بی‌عدالتی و دشمنی است.

وحدت از نقطه‌ای آغاز می‌شود که شهروند احساس کرامت کند

گاهی درباره وحدت آن‌قدر از مفاهیم بزرگ سخن گفته می‌شود که عنصر انسانی آن فراموش می‌شود.

اما وحدت پیش از آنکه در سطح امت اسلامی شکل بگیرد، در تجربه انسان‌ها از یکدیگر ساخته می‌شود.

فرد زمانی احساس تعلق می‌کند که هویت او تحقیر نشود، حقوق او نادیده گرفته نشود و احساس نکند به دلیل تعلق مذهبی یا فرهنگی خود، شهروندی درجه دوم محسوب می‌شود.

در همین چارچوب، سخن نقل‌شده از رهبر شهید درباره رشد علمی، اقتصادی، مدیریتی و حقوق شهروندی اهل‌سنت، واجد یک اهمیت نظری جدی است. در این روایت، برای پیشرفت اهل‌سنت سقف خاصی در نظر گرفته نشده و معیار آن بوده است که مردم، نماینده ولی‌فقیه را نماینده همه خود بدانند.

این نگاه، وحدت را از سطح روابط میان نخبگان به سطح تجربه شهروندی منتقل می‌کند.

یعنی سؤال فقط این نیست که علما با یکدیگر چگونه گفت‌وگو کنند؛ سؤال این است که یک شهروند اهل‌سنت، یک شیعه، یک عضو یک قوم یا یک جامعه محلی، چگونه نسبت خود را با ساختار عمومی کشور تجربه می‌کند.

در این نقطه، «کرامت» به یکی از زیرساخت‌های وحدت تبدیل می‌شود.

عدالت، زبان پنهان وحدت

اگر وحدت را صرفاً با توصیه‌های اخلاقی دنبال کنیم، بخشی از مسئله را نادیده گرفته‌ایم.

هر جا احساس تبعیض، محرومیت یا نادیده گرفته شدن شکل بگیرد، زمینه برای بازتولید هویت‌های تقابلی نیز افزایش می‌یابد. به همین دلیل، سیاست وحدت نیازمند پشتوانه‌ای از عدالت و فرصت‌های برابر است.

این مسئله به معنای مذهبی کردن همه مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه به این معناست که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند با ادبیات وحدت، احساس بی‌عدالتی پایدار تولید کند.

از این منظر، توجه به توسعه علمی، اقتصادی و مدیریتی مناطق و گروه‌های مختلف، صرفاً سیاست توسعه‌ای نیست؛ می‌تواند بخشی از سیاست انسجام اجتماعی نیز باشد.

در تجربه‌ای که درباره رهبر شهید نقل شده، همین پیوند قابل مشاهده است: مسئله اهل‌سنت تنها از منظر مذهبی دیده نشده، بلکه پیشرفت آنان در عرصه‌های علمی، اقتصادی، مدیریتی و حقوق شهروندی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

این نگاه می‌تواند یکی از ابعاد کمتر مورد توجه در مطالعات وحدت باشد؛ تقریب بدون عدالت اجتماعی، در معرض تبدیل شدن به یک گفتمان تشریفاتی قرار دارد.

اخلاق سیاسی؛ حلقه مفقوده مدیریت اختلاف

وحدت فقط به قانون و ساختار نیاز ندارد؛ به نوعی از اخلاق سیاسی نیز نیازمند است.

در جامعه متکثر، اختلاف نظر اجتناب‌ناپذیر است. آنچه تعیین می‌کند اختلاف به بحران تبدیل شود یا نه، نحوه مواجهه بازیگران با یکدیگر است.

در محتوای ارائه‌شده، اخلاق کریمانه، بزرگواری و حتی برخورد با کسانی که علیه رهبر شهید سخن گفته بودند، از عوامل جذب و ایجاد پذیرش اجتماعی معرفی شده است.

این بخش از سیره ایشان را می‌توان از زاویه‌ای فراتر از اخلاق فردی مطالعه کرد.

مدارا در جامعه متکثر، یک سرمایه حکمرانی است.

جامعه‌ای که در آن مخالف سیاسی، منتقد فکری یا پیرو مذهب دیگر دائماً با ادبیات تحقیرآمیز مواجه شود، به تدریج سرمایه اعتماد خود را از دست می‌دهد. در مقابل، اخلاق مدارا می‌تواند امکان گفت‌وگو را حتی در شرایط اختلاف حفظ کند.

از این منظر، اخلاق در سیاست وحدت یک امر تزئینی نیست؛ بخشی از زیرساخت حکمرانی در شرایط تکثر است.

چرا صیانت از حرمت دیگری اهمیت سیاسی دارد؟

یکی از نمونه‌های قابل تأمل در محتوای مورد استناد، حساسیت رهبر شهید نسبت به اهانت به یکی از علمای اهل‌سنت است. واکنش سریع و تأیید اقدام انجام‌شده برای محکوم کردن این رفتار، نشان‌دهنده حساسیت نسبت به مسئله حرمت شخصیت‌های مذهبی و جلوگیری از تبدیل یک رفتار فردی به عامل تنش اجتماعی معرفی شده است.

اهمیت این مسئله فقط اخلاقی نیست.

در جوامع متکثر، توهین می‌تواند از یک رفتار فردی به یک مسئله جمعی تبدیل شود.

یک سخن توهین‌آمیز ممکن است احساسات یک جامعه مذهبی را جریحه‌دار کند، واکنش متقابل ایجاد کند و در نهایت شکافی را فعال سازد که پیش‌تر وجود نداشته یا دست‌کم به این شدت فعال نبوده است.

بنابراین، صیانت از حرمت مذاهب را می‌توان بخشی از سیاست پیشگیری از بحران دانست.

این نگاه، مفهوم «تفریب» را نیز تغییر می‌دهد: تقریب فقط ساختن پل میان افراد نیست؛ گاهی جلوگیری از تخریب پل‌های موجود است.

سیستان و بلوچستان؛ یک تجربه قابل مطالعه

اگر قرار باشد اندیشه رهبر شهید در حوزه وحدت به صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد، تجربه سیستان و بلوچستان می‌تواند یک مطالعه موردی مهم باشد.

این منطقه به دلیل تنوع مذهبی، قومی و اجتماعی، نمونه‌ای از شرایطی است که در آن سیاستگذاری باید هم‌زمان چند سطح از هویت را مدیریت کند.

اهمیت تجربه این منطقه در این است که می‌توان پرسید چه عواملی موجب می‌شوند تفاوت مذهبی به شکاف تبدیل نشود؟ نقش اعتماد عمومی چیست؟ جایگاه علما و نخبگان مذهبی چگونه تعریف می‌شود؟ سیاست‌های توسعه‌ای چه تأثیری بر انسجام دارند؟ و رفتار مسئولان محلی تا چه اندازه می‌تواند احساس تعلق را تقویت یا تضعیف کند؟

این پرسش‌ها می‌توانند موضوع پژوهش‌های جدی در چهلمین کنفرانس وحدت باشند.

در واقع، به جای آنکه صرفاً درباره «وحدت در سیستان و بلوچستان» سخن گفته شود، می‌توان از این تجربه برای استخراج اصول قابل مطالعه مدیریت جامعه متکثر استفاده کرد.

وحدت ملی و وحدت اسلامی؛ دو مسیر درهم‌تنیده

یکی دیگر از ابعاد مهم این تجربه، رابطه میان وحدت اسلامی و انسجام ملی است.

در بسیاری از مباحث، این دو موضوع جدا از یکدیگر بررسی می‌شوند؛ در حالی که در جوامع چندمذهبی، نحوه مواجهه دولت و جامعه با تنوع مذهبی می‌تواند مستقیماً بر انسجام ملی اثر بگذارد.

هر اندازه شهروندان احساس کنند تفاوت مذهبی آنان مانعی برای مشارکت عمومی نیست، هویت ملی ظرفیت بیشتری برای دربرگرفتن تنوع پیدا می‌کند.

برعکس، هرگاه تفاوت مذهبی به عامل طرد اجتماعی تبدیل شود، ممکن است هویت‌های فرعی در برابر هویت ملی قرار گیرند.

از این منظر، سیاست تقریب می‌تواند هم‌زمان یک کارکرد اسلامی و ملی داشته باشد: تقویت پیوندهایی که شهروندان متفاوت را در یک جامعه مشترک کنار یکدیگر نگه می‌دارد.

این نکته از آن جهت اهمیت دارد که تجربه جمهوری اسلامی را می‌توان نه فقط از منظر سیاست خارجی و مناسبات جهان اسلام، بلکه از منظر حکمرانی در یک جامعه مذهبی متکثر نیز مورد مطالعه قرار داد.

از یک تجربه ایرانی تا یک پرسش برای جهان اسلام

البته نمی‌توان تجربه ایران را بدون توجه به شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن مستقیماً به همه کشورهای اسلامی تعمیم داد.

اما می‌توان از آن پرسش‌های عمومی استخراج کرد.

کشورهای اسلامی امروز با تنوع مذهبی و قومی گسترده‌ای روبه‌رو هستند. برخی کشورها چندمذهبی‌اند، برخی چندقومیتی و برخی با هر دو مسئله مواجه‌اند. در چنین شرایطی، پرسش درباره چگونگی حفظ انسجام در عین تکثر، یک مسئله مشترک است.

بنابراین، چهلمین کنفرانس وحدت می‌تواند به جای ارائه تجربه ایران به‌عنوان نسخه‌ای آماده، آن را به‌عنوان موضوعی برای مطالعه تطبیقی در اختیار اندیشمندان جهان اسلام قرار دهد.

این رویکرد علمی‌تر و ثمربخش‌تر است؛ زیرا به جای صدور نسخه، امکان گفت‌وگو درباره تجربه‌های مختلف را فراهم می‌کند.

چرا این نگاه برای چهلمین کنفرانس اهمیت دارد؟

اگر محوریت رهبر شهید قرار است به تولید یک بحث ماندگار منجر شود، یکی از بهترین مسیرها مطالعه رابطه میان وحدت، کرامت، عدالت، مدارا و حکمرانی در جامعه متکثر است.

این موضوع هم از تکرار بحث‌های کلی درباره ضرورت وحدت فاصله دارد و هم امکان می‌دهد اندیشه رهبر شهید در معرض یک مطالعه تحلیلی قرار گیرد.

در چنین رویکردی، چهلمین کنفرانس می‌تواند یک سؤال مهم را پیش روی اندیشمندان قرار دهد:

چگونه می‌توان جامعه‌ای ساخت که در آن تفاوت مذهبی نه منشأ حذف و تقابل، بلکه بخشی پذیرفته‌شده از واقعیت اجتماعی باشد؟

این پرسش، مسئله‌ای فراتر از یک کنفرانس است؛ مسئله‌ای مربوط به آینده جوامع اسلامی.

سخن پایانی

چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی اگر بخواهد از ظرفیت محوریت رهبر شهید به‌درستی استفاده کند، باید یکی از مهم‌ترین ابعاد اندیشه و سیره ایشان را از سطح خاطره و توصیف به سطح تحلیل ارتقا دهد: نحوه مواجهه با تکثر.

در این تجربه، وحدت صرفاً با توصیه به برادری شکل نمی‌گیرد. وحدت به اخلاق نیاز دارد، اما فقط اخلاق نیست؛ به مدارا نیاز دارد، اما فقط مدارا نیست؛ به عدالت نیاز دارد، اما فقط عدالت نیست. مجموعه این عناصر باید در رفتار اجتماعی و حکمرانی به گونه‌ای کنار هم قرار گیرند که انسان‌ها، با وجود تفاوت‌هایشان، خود را بخشی از یک جامعه مشترک بدانند.

شاید مهم‌ترین درس این تجربه آن باشد که وحدت پیش از آنکه در شعارهای بزرگ درباره امت اسلامی ساخته شود، در نحوه رفتار با انسان متفاوت از خودمان ساخته می‌شود.

اگر این نگاه در چهلمین کنفرانس وحدت به‌صورت جدی بررسی شود، محوریت رهبر شهید از یک موضوع مناسبتی فراتر خواهد رفت و به فرصتی برای مطالعه یکی از مسائل اساسی جهان اسلام تبدیل خواهد شد؛ اینکه چگونه می‌توان در جهان متکثر امروز، بدون حذف تفاوت‌ها، انسجام ساخت.

